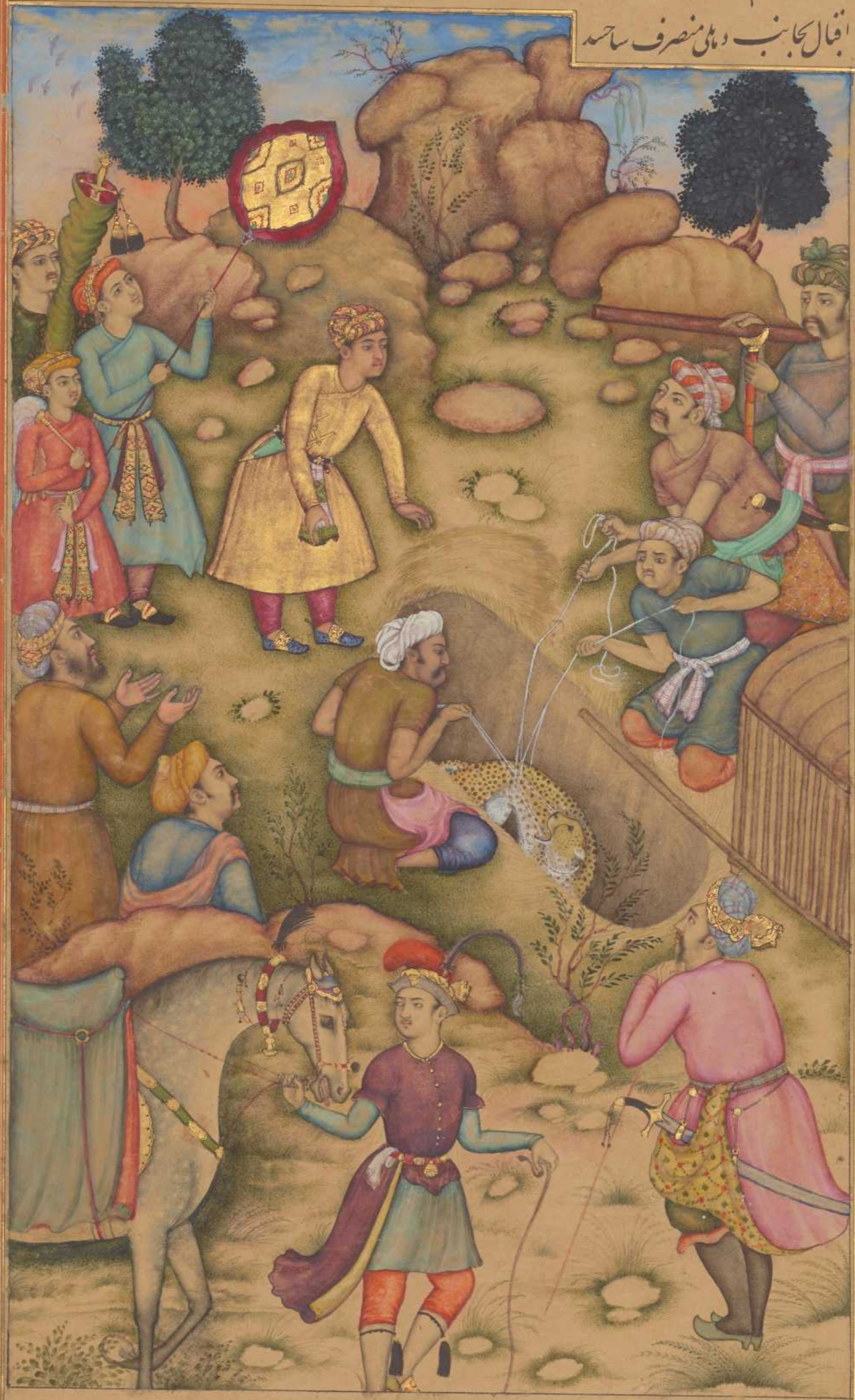


بنابران ضمیر قدس که نگارین سپهری لعبستان صوری معنویت تموج تماشاگری این شادان شاه طاشه و حکمتی
 مطاع از شاه طاکاه باطن تبریز این کار شرف اصدا ریافت فرمان بران خدمت در اندک وصت الاث واد
 آن سرانجام داده گوئی چند که از زبان سنداودی گویند بطرف خاص کنند و چند فقا و هتیه انجا شکار کرده و مویک
 اقبال جانب و این منصرف ساحه



۲۱

۷۷

دولت

اگرچه در پیرکار اعلیٰ شمس ازین تهنه بسیار جمع آمد بود اما آنکه تهنه را بجنور تقدیس صید فرمودند درین مرتبه بود روز پانزدهم
آزمایه الهی موافق شنبه چهارم ریح الاول نصد و شپست و شت بالی از الملک و بیست تفرایات دولت کس

دارد وی بزرگ پسران است و کجاست

ز اول بیاد است و زود پسر پادشاه است

بمیان شده بود و از نوای کجاست و لا

بطور پوست دستاورد جمعیت مبرک کردی ابو الفتح برادر زاده منعم خان بصوب کابل شرح آن برسم آجال نیست که
در آن هنگام که مقتضای فرمان شانسنا منعم خان متوجه مایه پسر اعلیٰ شد کابل را بغنی خان پسر خود سپرده و در ایجابی خود

کرد در تعین و بیست هفت است و کجاست

اینجا را انجا که است که ساعد و معاون

ابو بوده هفت است و از نظام دیه

و از کوه حوصلگی طیفین و طفل شربی جانین با پیکاری پیدا آمد درین ولایت موبک عالی همی نزول اجلا فرمود
عرضه داشت غنیان بر کاه کیتی پناه آمد تا رضای حیدر محمد حمیدی بطور پوست بباران بابت صلوات منعم

منعم خان پسر محمد است و طلب صادر شده

بیکه و ملک غنی خان و اعانت او مایل

لم فریاد و در پیش محمد و جوانه دوست

خواجگی محمد حسین برادر منعم خان و جمعی کثیر را مبرک کردی ابو الفتح برادر زاده منعم خان کابل و آن ساختند فرستاد بازم
روزی چند در معاونت و موافقت کامیاب آمدن امان شدند القصد حضرت شانسنا خندروزی در خط و لکثای
دبلی فاضله عدل فرموده روز دهم دی ماه الهی موافق روز جمعه دوم ریح الثانی بصیرت بد را جلایا که فرمود
و از راه دریاجون کشتی سپارد دولت شده توفه فرمودند اعیان سلطنت و ارکان دولت منقاد کجاست تنبیه